



Womens activities in the holy defense

Frouzan Hasanvandi

Researcher and writer of Sacred Defense

Abstract:

The fact that the women's Basij is an unprecedented phenomenon stems from the nature of the divine prophets' invitation and the roots of democratic, anti-oppressive and reverential thoughts of the Islamic Revolution of Iran. This article deals with women's role in the 8 years of Holy Defense and proves women's presence in most fields of the Holy Defense in Khorramshahr, Kermanshah, Abadan, Ilam, etc. Collecting humanitarian aids, seeing the soldiers off during their dispatch to the front, their psychological and emotional support of the soldiers, carrying out their maternal and conjugal role in the absence of their men, their financial support, cultural and informational advertising, their direct presence at war, nursing and curing the injured soldiers, participating in the funeral of the martyred soldiers are the most important fields in which women participated and created the most effective and the most beautiful scenes of the Holy Defense thereby depicting heart-moving scenes of self-sacrifice, passion and faith in the war-stricken areas without the slightest objection to the hardships they were going through.

Review History:

Received : 22 Nov 2024

Revised: 22 Dec 2024

Accepted: 21 Jan 2025

Available Online 4 Apr 2025

Keywords:

Sacred Defense

Women

Lorestan

Khorramshahr

How To Cite This Article:

Hasanvandi, F. (2025). – Womens activities in the holy defense. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(3) 1-16 DOI:**** (In Persian)



*Corresponding author's email: forozn.h@gmail.com





عرصه‌های فعالیت زنان در دوران دفاع مقدس

فروزان حسنوندی

پژوهشگر و نویسنده دفاع مقدس

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۱/۵

کلمات کلیدی:

دفاع مقدس

زنان

لرستان

خرمشهر

بی‌سابقه بودن پدیده‌ی بسیج خواهران را باید در ذات دعوت انبیای الهی و در ریشه‌های اندیشه‌ی آزادی‌خواهانه، مردم‌محور، ظلم‌ستیز، کرامت‌بخش و... انقلاب اسلامی ایران، جستجو کرد. این مقاله به بیان نقش زنان در دوران هشت سال دفاع مقدس پرداخته و در پی اثبات فرضیه‌ی حضور آنان در اغلب عرصه‌های دفاع مقدس در جنوب؛ خرمشهر و آبادان، کرمانشاه، ایلام و غیره می‌باشد. جمع‌آوری کمک‌های مردمی، بدرقه‌ی رزمندگان در حین اعزام، پشتیبانی روانی و عاطفی زنان از رزمندگان، ایفای نقش مادری و همسری در نبود مردان، حمایت‌های مادی و پولی، تبلیغات فرهنگی و اطلاعاتی، حضور مستقیم در جنگ؛ پرستاری و مداوای رزمندگان مجروح، شرکت در تشییع و تدفین شهدا، ازجمله مهم‌ترین عرصه‌هایی هستند که زنان لرستانی با حضور فعال خود در آن عرصه‌ها، زیباترین و تأثیرگذارترین صحنه‌های دفاع مقدس را خلق نمودند و پیوسته کوشیدند تا در جبهه و پشت جبهه و در کنار مردم جنگ زده صحنه‌هایی از ایثار و شور و ایمان که قلب را می‌لرزاند به تصویر بکشند. اعتراض برای آنان در زندگی که برایشان پیش آمده بود جایی نداشت.

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Hasanvandi, F. (2025). – Womens activities in the holy defense. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(6) 1-16 DOI:**** (In Persian)



مقدمه

انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده انقلابی برپا کرد. توانست الگوی نه شرقی نه غربی زن را به تأسی از حضرت فاطمه(س) و حضرت زینب(س) ایجاد کند و مهم‌ترین نقطه‌ی آغازین هویت بخشی اسلامی به زن ایرانی است. هویتی که باعث شد زنان و دختران این مرز و بوم دوشادوش مردان به خیابان‌ها بیایند و پیروزی بزرگ ملت ایران را علیه رژیم ستم شاهی پهلوی به رهبری امام خمینی(ره) رقم بزنند. نقش‌آفرینی و حماسه‌سازی بانوان به حضور در صحنه‌ها، شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی خلاصه نمی‌شود. با شروع حمله‌ی تجاوزکارانه‌ی رژیم بعث عراق در شهریور ۵۹ که با حمایت استکبار جهانی و مزدورانش در منطقه آغاز شد و استقبال و تمامیت اراضی کشور را نشانه رفته بود، همه‌آحاد مردم به ویژه شیر زنان این سرزمین با ایثار و فداکاری‌های خود حماسه‌ها آفریدند و زنان غیرتمند لرستان نیز همگام با ملت سرافراز ایران در تمامی مقاطع جنگ، برگ‌های زرینی از دوران دفاع مقدس را در تاریخ به نام خود ثبت کردند. این شیرزنان با تشویق و تشجیع همسران و پسران خود به حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل با وجود علاقه و محبت شدیدی که زنان لرستانی نسبت به پسران خود دارند، امدادسانی به مجروحین جنگ در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، برپایی ایستگاه‌های صلواتی به صورت شبانه‌روزی، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، حضور پرشور و انقلابی در مراسم تشییع و تدفین شهدا علی‌رغم بمباران‌های شدید، باز تعریفی از زن ایرانی و طراز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بر صفحه سفید دفتر هم‌چون قطرات خون به جریان درآید و به نسل‌های آینده حیات بخشد تا بدانند استقلال این است. ایران اسلامی نتیجه و حاصل مبارزات و جانفشانی‌های مردان و زنانی است که در آن روزهای پرتل‌ت‌هاب آتش و خون از همه چیز خود گذشتند، تا اسلام و ایران بماند و چراغ هدایت برای ملت‌های آزادی‌خواه و ظلم‌ستیز در دنیا شود.

امام علی(ع) اهمیت اشraf به تاریخ را در توصیه‌ای به فرزندان بزرگوارش این‌گونه تبیین می‌کند که: اگرچه من به اندازه تمامی نسل‌های گذشته عمر نکرده‌ام، اما در کار و کردار آنان نظر کرده‌ام و در اخبارشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام، چنان‌که گویی یکی از آنان شده‌ام.

حضور فعال زنان با بصیرت و غیرتمند ایران اسلامی را یکی از مهم‌ترین مقاطع دوران تاریخ می‌دانیم. این پیروان بی‌نظیر حضرت زهرا(س) در تمام صحنه‌های جنگ مشارکت داشته‌اند، از شروع مبارزات انقلاب در سال ۴۲ تا پیروزی انقلاب و از شروع جنگ تحمیلی تا کنون. زنان ایران و به طبع آن زنان لر در مقابله با دشمنان در صف مقدم قرار گرفتند. تا آن‌جایی که امام(ره) نقش زن را فراتر از نقش مردان دانسته‌اند.

جمع‌آوری کمک‌های مردمی

مقام معظم رهبری در سخنرانی در تاریخ ۹۱/۱۲/۱۶ بیان فرمودند: «لشگری از فرشتگان که از جان مقدس خویش در راه اسلام ملیه گذاردند، تماشاچی نبودند و قدم در میدان عمل نهادند و در نقش معماران ایران جدید ظاهر شدند. اینان زنان بزرگی بودند که تعریف جدیدی از زن، نه شرقی و نه غربی ارائه کرد.

شیر زنان لرستان در عرصه‌ی دفاع مقدس نشان دادند که آنان از بزرگ بانویی تبعیت می‌کردند که قمر کائنات و سرور اهل آسمان و زمین است. فریاد همه‌ی زنان لرستانی، مویه آنان، آیه‌های نمازشان، اذان زندگی‌شان، نغمه‌های مرگشان، پیوند نیایش‌هایشان، شور حیاتشان همه یکی بود. آن‌ها از میان انواع مرگ، شهادت را پذیرفته بودند، هنوز صدای آن خانم‌هایی که با جان و دل و از خودگذشتگی کار می‌کردند در گوش زمانه هست. همه در حال تکاپو بودند. صدام به خیال خودش برای چند روز جنگ را شروع کرده بود و خیلی زود به این نتیجه رسیده بود محاسباتش غلط است و فقط پایه‌های حکومتش را سست کرده‌است. آشفتگی خانه‌ها سبب شده بود سیل کمک‌های مردمی لرستان وسیع‌تر شود. حمایت‌های اقتصادی، تلاش رزمندگان و بانوان تماماً در جهت رهایی از دشمن بود و علی‌رغم مشکلات فراوان تن به ذلت ندادند و مردم عراق خیال می‌کردند با وجود

مشکلات، مردم ایران حتما به صلح تحمیلی نیز تن می‌دهند. اما با وجود گرانی، بیکاری، ترور و شهادت و بمباران؛ پایداری خود را با نپذیرفتن صلح تحمیلی بر جهانیان اثبات نمودند. بانوان با فداکاری، استقامت و استواری هر چه تمام‌تر در صحنه عمل حاضر شدند و در مقابل دشمنان ایستادند و انقلابی بودن خود را نشان دادند. آن‌ها فکر می‌کردند با شهادت رزمندگان و آواره کردنشان سست می‌شوند. ولی نمی‌دانستند همبستگی بیشتری بین آن‌ها به وجود می‌آید. با همه این احوال بانوان با چنگ زدن به ریسمان الهی از هیچ گونه حوادثی ترسی به دل راه ندادند.

جمع‌آوری کمک‌های مردمی، صحنه‌های بی بدیلی بود که در زندگی‌شان تأثیر بسزایی گذاشته بود. عمل نیک و شایسته زنان لر باعث شده بود رضایت خداوند را با اخلاص و محبت و مهرورزی به دست بیاورند. مسجد رسول الله(ص) در خیابان طیب خرم‌آباد محل جداسازی داروها و فعالیت زنان امدادگر لرستانی در اوج موشک باران دشمن بعثی بود. مردم شهر بدون هیچ ترسی مقاومت و پایداری را بر خود واجب می‌دانستند و از این که یک ایرانی هستند به خود می‌بالیدند. دستان کوچکی که پلاستیک‌های خالی را برای مادران خود می‌گرفتند؛ پر از بسته‌های گردو، پسته و بادام می‌کردند و بانوان و دانش‌آموزانی که تازه از مدرسه تعطیل شده بودند و برای کمک خود را رسانده بودند. آن‌ها، کمپوت‌ها و کنسروهای اهدایی مردم را داخل کارتون‌ها می‌گذاشتند و گاه پتو و داروهایی که جمع‌آوری شده بود را بار ماشین می‌کردند. آن طرف‌تر بچه‌ها با باز کردن فلک‌های پلاستیکی، سکه‌های ده تومانی و بیست تومانی و پنج تومانی را دسته‌بندی می‌کردند و داخل نایلون می‌انداختند. (حسنوندی، فروزان، ۱۳۹۱، ۳۴)

خداوند در آیه ۱۳ حجرات می‌فرماید: «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست. خداوند دانای آگاه است.» این آیه نیز ضمن تأکید بر برابری زن و مرد ملاک ارزشمندی افراد را در پرهیزکاری می‌داند و نه جنس آن‌ها را.

اسلام برخلاف تمدن غرب، طرفدار اعطای حقوقی طبیعی و نه حقوق برابر و مشابه زن و مرد است. به بیان دیگر میان این دو نیز جانب‌داری نمی‌کند بلکه می‌کوشد در جامعه هر یک را در جایگاه طبیعی خویش بشناسد. طبیعت زن را نه پست‌تر و نه برابر و همانند مرد بلکه در زندگی و اجتماع مکمل یکدیگر می‌داند. (نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۷۹، ص ۶۱)

خانم صیدی در سال ۶۵ وارد سپاه شد، مسئولیت ستاد جنگ خواهران را گرفت و ستاد پشتیبانی جنگ را در مدارس راه‌اندازی کرد. هفته‌ای یک بار جلسه می‌گرفت و وجوه نقدی و فلک‌های محصلین و خانواده‌هایشان را جمع می‌کرد. و تحویل مسعود بهاروند می‌داد. بهاروند مسئول ستاد جنگ استان لرستان بود، خانم صیدی قبل از این که مسئولیتی در سپاه لرستان داشته باشد در خانه‌اش ساندویچ درست می‌کرد و بین محصلین می‌فروخت و پولش را به ستاد جنگ می‌داد. (موسوی، علویه طاهره، ص ۳۱۲). شب و روز این کمک‌های مردمی لرستان ادامه داشت و زنان لرستانی، زینب گونه در مقابل دشمن ایستادگی کرده و با سختی و مشقت وظایف سنگین را به دوش می‌کشیدند و به زیباترین صورت به‌منصه ظهور می‌رساندند. زنان با کارهای خود استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را به دست آوردند. نقش لرستانی‌ها در به ثمر رساندن انقلاب، پررنگ بوده است. ما مکرر می‌دیدیم که چگونه در راه اسلام و انقلاب با افتخار برای کمک به رزمندگان قدم برمی‌داشتند. رهبر انقلاب چه زیبا سخن از زنان گفته‌اند: «حضور مردان در جبهه نیز مدیون همین مشارکت زنان بوده است که همدوش آنان یا بهتر، در راه اسلام و قرآن فعالیت داشتند و دل دشمنان را با مشارکت خود می‌لرزاندند.» در مشارکت در جمع‌آوری کمک‌های مردمی و دوخت و دوز و جمع‌آوری مرکبات و مواد بهداشتی، عرصه فعالیت زنان بیش از پیش دیده می‌شد. ارسال دارو، آجیل و شیرینی همراه با نوشته‌های دل‌گرم کننده در طول سال‌های دفاع مقدس، به ویژه هنگام عملیات‌ها و سال نو و مناسبت‌های خاص از دیگر فعالیت‌های بانوان بود. بخشی از تأمین مواد خوراکی و دیگر مایحتاج جبهه‌ها اعم از پشتیبانی و کمک‌رسانی به خاطر نزدیک بودن به منطقه جنگی به عهده همین زنان لرستانی بود که روحیه‌بخش جبهه‌ها بودند. زنان لرستانی فصل ترشی که می‌رسید کیسه‌های هوپج و کلم و کاهو را می‌آوردند و ترشی درست می‌کردند و دبه دبه ترشی را راهی جبهه‌ها می‌کردند. گاه در منزل برای رزمندگان کلاه و شال گردن و لباس می‌بافتند. در مساجد و حسینیه‌ها کارتون کارتون قند، چای، مواد شوینده و حبوبات

را تفکیک و راهی می‌کردند. زنان لرستانی به صورت خودجوش و گاه سامان‌یافته در ستادها حضور می‌یافتند تا دین خود را نسبت به رزمندگان ادا نمایند. گاه از هم سبقت می‌گرفتند، پتوهای خونین را برای شست و شو به خانه می‌بردند و تمیز بر می‌گرداندند؛ شخص دیگری ملحفه‌ها را برای شستن می‌برد؛ تقسیم کار آنان بسیار زیبا بود. آن‌ها با تکیه به ایمان، در آن بحبوحه جنگ مشکلات را از سر راه کنار می‌زدند و عقب‌نشینی برایشان معنایی نداشت و با کمترین امکانات دلیرانه پشتیبان رزمندگان و انقلاب بودند. ما از این دست زنان کم نداشتی، مردان کشاورز و زنان روستایی اطراف شهر نیز نقش خوبی در کمک‌رسانی داشتند. خانم اشرف‌السادات موسوی نورالدینی زن لرستانی می‌گوید: من در زمان جنگ در همین پادگان ۰۷ به نیروهای زن آموزش تیراندازی می‌دادم و خانم‌هایی بودند که با ایمان عمیق، همراه با استمرار ناشی از تکیه به خداوند و با حجابی کامل به فراگیری این آموزش می‌پرداختند. و گاه دیگ‌های بزرگی می‌گذاشتند و حلوا می‌پختند. در پادگان ۰۷ روزی بیست نفر را آموزش تیراندازی می‌دادم. یک روز که داشتم آموزش می‌دادم انگشتم لای گلن گدن اسلحه گیر کرد و ناخنم آسیب دید و با وجود آن‌که خون فراوانی از آن رفته بود ولی باز تا غروب ایستادم و با علاقه‌ای که داشتم به آنان آموزش تیراندازی دادم. آن زمان زنانی بودند که ضد نظام بودند. آن‌ها در زندان به سر می‌بردند. آن موقع زندان نزدیک پادگان امام حسین(ع) بود و من شب که برای استراحت می‌رفتم مأمورین انقلابی به سراغم می‌آمدند که آن‌ها را به حمام ببرم و من می‌بایست در نیمه‌های شب بیرون می‌زدم و با اسلحه بالای سرشان می‌ایستادم تا کارشان تمام شود و دوباره آن‌ها را به زندان بر می‌گرداندم. خستگی در آن زمان برای ما مفهومی نداشت. یک روز انباردار یادش رفته بود کلید انبار را برایم بگذارد، من سه اسلحه‌ای را که برای آموزش گرفته بودم زیر چادر گرفتم و به خلنه بردم و چنان زیر چادر گرفته بودم به خاطر قد بلندی که داشتم این اسلحه‌ها معلوم نبودند. صبح که اسلحه‌ها را برگرداندم مانده بودم چطور در این مسیر طولانی سنگینی اسلحه‌ها را تحمل کردم و آن‌ها دست انباردار سپردم. در آن زمان کارهای زیادی می‌کردیم، کار دیگری که انجام می‌دادم این بود که پولیورهای زیبایی برای رزمندگان می‌بافتم و نام الله را روی آن‌ها حک می‌کردم. یک دلی و یک رنگی در میان زنان لرستانی در پشت جبهه دیدنی بود که بایستی هزاران کتاب در مورد آن ایثارگران نوشت. آنان با جانباز شدن یکی از افراد خود عمری را به پای آنان سپری می‌کنند. صدام حسین بمباران شهرها و روستاها را در شب و روز در رزومه کاری خود داشت، او تلافی شکست خود را بر سر مردم بی‌گناه خالی می‌کرد و جای تأسف است که آن‌ها نمی‌دانستند که زنان ایرانی با بیعت گرفتن از حضرت زهرا (س) انقلاب را پیش می‌برند. و با صلوات و نام حضرت زهرا(س) فرزندان خود را راهی جبهه‌ی نبرد می‌کردند. زمانی که رمضان می‌شد با دهان روزه برای کمک می‌آمدند، که باید گفت هر ساله بایستی یاد و خاطره‌ی آن روزها را در زمان بیست و دوم بهمن برای نسل جدید به صورت نمایش در آورد. بدرقه رزمندگان در اشک و لبخند و ازدحام و هلهله و ترحم و ذکر ملکوت از خاطرات فراموش نشدنی است، در سال‌های دفاع مقدس گاه مادر لرستانی پس از شهادت همسر، فرزندش را روانه می‌کرد و پس از شهادت فرزند، فرزند دیگر را. صبر و شکیبایی مادران آرامش‌بخش دیگر خانواده‌ها بود. «مصاحبه با خانم اشرف‌السادات نورالدینی».

بدرقه رزمندگان در حین اعزام

رهبر کبیر انقلاب در سخنی زیبا فرمودند: «نقش زنان در اعزام سراسری رزمندگان از دو زاویه قابل بررسی است، اول؛ زن مسلمان به دور از برخوردهای عاطفی و با مددگیری از روح تقوی و ایثار سعی دارد سهمی و نقشی را از گذشت در راه خدا از آن خود سازد. دوم؛ سیمای روشن زن در حرکت به سمت نقطه‌های کمال انسانی که مشوق فرزند، همسر، پدر و برادر خویش در حرکت به سمت جبهه‌هاست. او نمی‌پذیرد عزیزش را در حالی پیش خود نگه دارد که ابرهای شوم ظلم در تحمیل جنگی غیرعادلانه بر آسمان سرزمینش گسترده شود. این زن بیشتر در جستجوی آرامش حریم خود است تا آسایش حرم دل! زن ایرانی به خاطر گوهر ایمان که در آن‌ها نهاده شده بود، توانست بر این موج مخرب فائق بیاید؛ در انقلاب مشارکت اساسی داشته باشد؛ هم به حضور خود، هم با تشویق مردان و یک پایه اساسی پیروزی انقلاب بشود. بعد از انقلاب هم که حرکت زنان، حرکتی فوق‌العاده بود. چنین زنی اگر هم در هنگام بدرقه‌ی عزیزانش قطره اشکی در چشمش موج می‌زد، صرفاً از آن رو بود که خود نمی‌توانست به جبهه اعزام شود و با دشمن بجنگد. آن‌ها عزیزان خود را با گذراندن از زیر قران بدرقه می‌کردند و در کنار

جاده‌ها منقل اسفند به پا می‌کردند. شیر زنان لرستانی با انداختن و ان یکاد و دعا به گردن عزیزان خود آن‌ها را به صحنه نبرد می‌فرستادند. آن‌ها چهره‌ای از دین را به تصویر می‌کشیدند و آمادگی خود را در کنار رزمندگان به منصفه ظهور می‌گذاشتند که پذیرش و جذابیت این موضوع دشمن را دیوانه تر می‌کرد و چه مادرانی که در یک خانواده دو شهید می‌دادند و برای بدرقه سومین فرزندش با افتخار او را راهی میکرد. و روحیه این چنین قهرمانی حماسه‌ها می‌آفرید، صحنه‌هایی دیدنی و به یاد ماندنی. گاه زمزمه‌های آیت الکرسی را می‌شد ازنجوای آن‌ها با خداوند شنید. (مافی، فرزانه، ۱۳۷۶ ص ۶۲)

پشتیبانی روانی و عاطفی زنان از رزمندگان

مقام معظم رهبری در ۹۰/۱۰/۱۴ می‌فرمایند: «در آن دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق‌العاده بود، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی — که من بخش کارهای پشتیبانی را خودم از نزدیک در اهواز دیدم — یک نقش فوق‌العاده بود. زنان حتی در بخش‌های نظامی هم فعال بودند.» همکاری زنان در یاری رساندن مادی و معنوی به ستاد و کمک به آسیب‌دیدگان حماسه‌ای تاریخی و فراموش نشدنی بود. زنان بزرگوار لرستان هر چه در توان داشتند، در طبق اخلاص می‌گذاشتند و به انقلاب و رزمندگان تقدیم می‌کردند. در سازمان امداد و نجات در موقع حوادث کمک‌رسانی خوبی داشتند و زنان غیور لرستانی وقتی که در صحنه جنگ صدای بمباران و موشک باران را می‌شنیدند اضطرابی نداشتند و کار خود را با دقتی بیشتر انجام می‌دادند. وقتی صدای بمبی می‌آمد؛ می‌دیدم که چگونه زنی که در همسایگی مان بود و مغازه‌دار هم بود مغازه‌اش را رها می‌کرد و به کمک آسیب‌دیدگان می‌رفت و گاه خانه خود را که تنها دو اتاق داشت برای اسکان جنگ‌زدگان مهیا می‌کرد، از کمک کردن دریغ نمی‌کرد با آنکه خودش نیاز به کمک داشت. خرم‌آباد طبق تحقیقی که داشتم در زمان جنگ ۱۴۰ بار مورد تهاجم قرار گرفته بود. ایمان و صبر، مقاومت، ایستادگی، معرفت و روشن‌بینی زنان عامل پیروزی در جنگ بود. در جنگ اگر امثال همین مادران گرامی نبودند، فداکاری نبود، پیروزی وجود نداشت. اگر بی‌صبری نشان می‌دادند و ناهماهنگ با مردان بودند، اگر عطوفت و وفاداری‌شان نبود، چه در راهپیمایی‌ها و چه در حرکت عظیم اسلامی، اسلام با مشکل بزرگ مواجه می‌شد. نقش بانوان لرستانی در دوران دفاع مقدس ستودنی بود. از دختران ۱۶ ساله تا پیرزنان ۶۰-۷۰ ساله فعالیت می‌کردند، چه با پختن نان و ارسال آن به جبهه و درست کردن غذا در مساجد برای رزمندگانی که پشت جبهه فعالیت داشتند و چه در پختن مربا و گرفتن آب میوه همدیگر را یاری می‌کردند. بانوان خیاط با درست کردن لباس رزمندگان و فرستادن لباس گرم به جبهه‌ها در حد توان تکلیف خود را ادا می‌کردند که اگر این حرکت عاطفی نبود دشمن این‌گونه امروز بر روی کلمه زن ایرانی حساس نبود، حضور جدی و آگاهانه آنان در عرصه‌های مختلف در دوران دفاع مقدس باعث پیشرفت بسیجیان جان برکف شد. زنان لرستانی با کسب تکلیف به دنبال این بودند که محیط را ترک نکنند و حضور داشته باشند. و کارهای ولو به ظاهر ساده آن‌ها در روحیه فرزندان مبارز خود و همسران تأثیر بسزایی داشت که اگر این حمایت بانوان در پشت جبهه‌ها نبوده خطر از بین رفتن روحیه بچه‌ها باعث شکست می‌شد و من که بارها در مصاحبه‌هایی که داشتم چه از خانواده‌های جانبازان چه شهدا می‌گفتم اگر حضور بانوان در خیابان‌ها که دوشادوش مردان سنگر می‌ساختند نبود پارسایی و تقوا و فداکاری در میانشان موج نمی‌زد. رزمندگان باعث دگرگونی می‌شدند. و وقتی به پشت جبهه می‌آمدند و آن‌ها را خودجوش می‌دیدند بسیار دلگرم می‌شدند. خانم صغرا دانه‌ای زن طلبه لرستانی که یکی از خواهران بسیجی نیز می‌باشد در خاطراتش نقل می‌کند: «اگر اهواز خالی از سکنه می‌شد مانند خرمشهر توسط دشمن اشغال می‌گردید، ولی حضور خانواده‌ها خصوصاً خانم‌ها در شهر و رفت و آمد آن‌ها مسأله را تا حدودی عادی کرده بود، به طوری که برای تقویت روحیه رزمندگان، خواهران علاوه بر کارهای خدماتی، تبلیغاتی و امدادی که انجام می‌دادند. حضور در خیابان‌های اصلی نیز یکی از کارهای روزانه آن‌ها بود که این امر بنابر گفته خود رزمندگان، در جهت تقویت روحیه آن‌ها تأثیری زیادی داشت. این زن مبارز لر که با حمایت از نیروهای انقلابی خانه خود را مرکز خشم ضد انقلاب قرار داده بود. و با تیم پزشکی زمانی که خرمشهر خونین شهر شده بود خدمت می‌کرد. نقش حیاتی و ثمربخش زنان در دوران مبارزه شامل صبر و شکیبایی، مساعدت و تحمل مشکلات ناشی از مبارزه بود. زنان با حمایت و پشتیبانی از همسران و فرزندان خود، با ایمان و آگاهی به رسالت الهی خود، حضوری پر

رنگ و نیرومند در همه مراحل مبارزه داشتند به گونه‌ای که اگر مادران شجاع نبودند، اگر همسران پرگذشت و فداکار نبودند، فرزندان و شوهران نمی‌توانستند به رسالت خطیر مبارزه ادامه دهند.

ایفای نقش مادری و همسری در نبود فرزندان و شوهران و حضور آنان در جنگ

آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی فرمودند: «ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر هم نبود. اگر زنان حماسه جنگ را نمی‌کردند و جنگ را در میان خانه‌ها ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند. ده‌ها عامل دست به دست هم می‌دهد تا خیل عظیم بسیجی را به سمت جبهه روانه کند از مهمترین این عامل‌ها روحیه همسران و زنان است. (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حدیث ولایت ج ۳، ص ۵۴). بهتر است نگاهی هم به عقب بیندازیم و دیدگاه امام حسین (ع) را هم زیر ذره‌بین نگاه خود قرار دهیم، در حرکت تاریخی امام حسین (ع) نیز برخی از یاران آن حضرت به تشویق همسران خود به نهضت امام حسین (ع) پیوسته و با آن حضرت تا پای جان همراهی کرده‌اند، به عنوان مثال وقتی نامه‌ای به زهیر بن قین رسید، وی در ابتدا تمایلی به پیوستن به سپاه امام را نداشت اما با شنیدن سخنان حماسی و مشوقانه همسرش عزم خویش را بر یاری امام حسین (ع) جزم نمود و به سپاه آن حضرت پیوست. و دیدیم که تشویق زنان اسلام، همفکری و همیاری آنان باعث حرکت شوهرانشان به سوی میدان جهاد و دفاع از اسلام شد.

رزمندگان اسلام برای اینکه بتوانند با روحیه‌ای آرام و بدون دغدغه به جنگ و دفاع بپندیشند و تمام فکر و قوای خود را بر آن متمرکز کنند، باید فکرشان از ناحیه خانه و فرزندان خود آسوده می‌بود، بایستی اطمینان داشته باشند که در غیاب آنان زندگیشان به طور طبیعی جریان دارد و فرزندانشان با آرامش کامل به امور تعلیمی و تربیتی خود خواهند رسید. تأمین این خواسته به حق رزمندگان، در سایه زحمات و الطاف همسران آنان میسر بود. زیرا همسر رزمنده در غیاب آن‌ها از کیان خانواده حفاظت می‌نمود و تمام توان خود را برای اداره صحیح زندگی خود و فرزندان به کار می‌بردند. (یزدانی، حشمت‌الله، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

یکی از ضروری‌ترین ارکان حرکت زنان لرستانی حفظ روحیه خود و افراد خانواده بود. زنان ما در صحنه‌های حمایت و تدارک و نیز استقامت در برابر حملات هوایی و موشکی دشمن به شهرها، نشان دادند که می‌توانند ایفاگر نقش اصلی برقراری آرامش در خانواده باشند. زنانی که بی‌اعتنا به تهدیدات جبهه باطل، طفل شیرخوار خود را بر سر دست گرفته و با تمسخر به یاهوگویی‌های دشمن این‌گونه مایه افتخار و دلگرمی مردان صحنه رزم می‌شدند. ستودنی است زنی را که عصاره وجود و محصول عمرش را خالصانه رهسپار جبهه‌ها می‌ساخت و از آتش حریق دشمن در خانه‌اش هراسی نداشت، باید با دیده احترام به آن‌ها نگریست. (مافی، فرزانه، ۱۳۷۶ ص ۲۶).

این روحیه حماسه و مقاومت زن لرستانی است که گاه پنج یا شش فرزند خود را در اثر بمباران از دست می‌داد و باز با روحیه‌ای بالا ایفای نقش میکرد. زنان غیور و شجاع لرستانی عنصر مفید و کارآمدی بودند که در نبود همسران خود خانه‌ای که جنگ آن را فلج کرده بود را با اقتصاد درست و با اهداف بلند خود می‌ساختند. آن‌ها همسر و فرزندان خود را به رفتن به جبهه و پرکردن سنگرها تشویق می‌کردند و حضور آن‌ها تصویری از شجاعت و ایثار برای جهانیان بود. آن‌ها با این وجود عزت و شرف را به جامعه هدیه دادند و تمام لحظه‌های عمر خود را برای حفظ ارزشهای اسلام سپری کردند.

زنان لرستانی، زنان صدر اسلام و زنان حاضر در قیام عاشورا را الگو و اسوه قرار داده بودند. زیرا دریافته بودند که حضور آنان در آن برهوتی که محل رنج انسانیت بود، مقصودی جز تأیید حرکت امام حسین (ع) نداشت. لذا همانگونه که زنان جلوه‌های ایثار و فداکاری را در روز عاشورا به مرحله ظهور رساندند، زنان ایرانی نیز در کربلای ایران با تاسی به واقعه‌ی عاشورا حضور یافتند زیرا جنگ ما نیز طرحی از همان عاشورا بود و یک نمی‌از همان‌یم... (مافی، فرزانه، ۱۳۷۶ ص ۴۰).

به خون غلتیدن شوهرانشان، آن‌هم در برابر چشمانشان نتوانست آنان را از راه دین و مذهب باز دارد. آن‌ها پاره تن خود را در راه خدا هدیه انقلاب اسلامی کردند. و چه بانوانی که خود نیز پیکر عزیزانشان را از زیر آوار بیرون می‌کشیدند و به خاک می‌سپردند.

حمایت‌های مالی و پولی

امام خمینی(ره) می‌فرماید: «زنان عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران همه مجاهدت انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مادی. در قرآن مجید و سخنان پیشوایان دین، از مومنان خواسته شده که در راه دفاع از اسلام و جامعه اسلامی علاوه بر جهاد با جان خویش، به جهاد مالی نیز اقدام کنند. این دستور نیز، همه مؤمنان اعم از زن و مرد را در بر می‌گیرد.» (یزدانی، حشمت اله، ۱۳۹۱ص ۴۱)

در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی و هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی در سال ۵۹، زنان لرستانی به موازات مردان با حضور در عرصه دفاع، نقش مهمی در پیشبرد اهداف جنگ داشتند، به صورتی که هرگونه داوری درباره جنگ بدون در نظر گرفتن نقش‌آفرینی زنان، ناقص و ناتوان از تحلیل جامع واقعیت خواهد بود. (قوی، نیره، ۱۳۹۴ص ۱۶۱)

مادران و خواهران لرستانی وظیفه‌شناس که مسئولیت خود را در نبود عزیزان خود ایفا می‌کردند در کنار صندوق‌های کمک به جبهه حاضر می‌شدند و زیورآلات، گردنبند، انگو، دستبند و یا هر چیز گرانبه‌ای خود را در طبق اخلاص می‌گذاشتند و تقدیم رزمندگان می‌کردند. این بانوان حرکت خودشان را وظیفه‌ی شرعی می‌دانستند و حضور چشمگیر و هوشیارانه آن‌ها در صحنه‌های گوناگون ستودنی بود. زنان لرستانی الگوی خود را حضرت زهرا(س) قرار داده بودند. اگر در جبهه‌های نبرد از ایثار و فداکاری رزمندگان صدها داستان ناگفته وجود دارد، در پشت جبهه نیز بعد خاصی از ایثار و از جان گذشتگی نهفته بود که نمی‌توان همه آن‌ها را بازگو نمود. لذا به اختصار به گونه‌ای از این حرکت عظیم مردمی پرداخته می‌شود. از جمله ایثارگری‌ها، اهداء خون بود، به طوری که افراد از خون خود که مهمترین سرمایه حیات و زندگی است به راحتی می‌گذشتند و برای چندمین بار خون خود را به دلاوران صف شکن جبهه توحید هدیه می‌نمودند. دانش‌آموزان لرستانی عدس و برنج و گاه مواد آش رشته را در اختیار مدیران مدرسه قرار می‌دادند و در پخت آن نیز سهیم می‌شدند و آن را به خود بچه‌های مدرسه می‌فروختند و با جمع‌آوری پول، آن‌ها را به جبهه می‌فرستادند. و بچه‌ها از این کار خدایی لذت می‌بردند. این کار هم برای بچه‌ها سرگرمی بود، هم اینکه با پخت آش‌های مختلف آشنا می‌شدند و مدیران و معلمان در آن زمان عنصری مفید و کارآمد بودند. گاه در صف مدرسه اعلام می‌کردند که فلان خانم معلم نیمی از حقوق خود را برای رزمندگان کنار گذاشت و گاه با حرف‌های خود نامه‌ای برای دل‌گرمی به رزمندگان می‌دادند. دیدن این‌گونه صحنه‌ها باعث تقویت روحیه رزمندگان در آن کارزار عظیم می‌شد. آن‌ها هیچگاه سنگر خود را خالی نمی‌گذاشتند.

تبلیغات فرهنگی و اطلاعاتی

امام خمینی(ره) در ۶۸/۴/۱۵ در بیعت گروه کثیری از خواهرای شهرهای مختلف کشور فرمودند: حضور خانم‌ها در همه مراحل انقلاب، حضور زنده و نیرومند و قوی بود و توانستند بارهای سنگین را تحمل کنند و مصیبت‌های بزرگی را از سر بگذرانند. در طول تاریخ اسلام، مانند زن‌های ما، نادر و کمیاب بوده‌است. یقیناً اگر پشتیبانی و حمایت بانوان کشورمان نمی‌بود، در دوران جنگ و پیش از آن در همه‌ی مراحل انقلاب، این پیروزی‌ها به دست نمی‌آمد. شاعران و هنرمندان لرستانی به نقش‌آفرینی در این عرصه‌ها روی آوردند. اشعار حماسی دایه دایه وقت جنگ و ... و تراکتهای تبلیغاتی، شعارها، هنر دیگری به شمار می‌رفت. برای تبلیغ از جهاد و فضای جبهه که در واقع راهی برای روحیه بخشی به مردم و در رأس آن رزمندگان بود، عده‌ای از زنان و دختران، چند قوطی رنگی که در خانه داشتند را آورده بودند، ابتدا نقاش طرح‌ها را با مداد روی تخته‌ها پیاده کرد. آن‌ها قلمو نداشتند. برای همین آستین‌ها را بالا زده و انگشت خود را در قوطی رنگ فرو بردند و شروع کردند به رنگ زدن، با همین روش

تا صبح کار طراحی را به پایان رساندند. (سخنرانی رهبر انقلاب در مراسم بیعت گروه کثیری از خواهران شهرهای مختلف کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۱۵).

زنان عکاس و خبرنگار لرستانی که جنگ را پوشش می‌دادند کم نبودند و نقش تبلیغی و اطلاعاتی خواهران و زنان طلبه به ویژه در کردستان پررنگ بود، هر چند که از همان آغاز ورود به شکل‌های مختلف مورد آزار و اذیت دشمنانی چون کردهای مخالف و منافقین قرار می‌گرفتند، اما زنان بی‌توجه به اقدامات دشمن، در طول جنگ به حضور تبلیغی خویش در جبهه‌های غرب ادامه دادند که حاصل آن ۴۳۴ شهید کردستان است. ۷۱ نفر از این بانوان در مقابله با ضد انقلاب شهید شدند. مسن‌ترین آن‌ها آمنه نیکی نام داشت که در سن ۷۸ سالگی در ۱۶ شهریورماه ۱۳۵۹ در سنج‌درج ترور گردید و شهید شد. (سمایی، عاطفه، ۱۳۸۹، ص ۸۶)

انقلاب اسلامی ایران ثمره بیداری اسلامی تمام اقشار و ملت ایران و حماسه‌ای جاویدان بود که با هدایت و رهبری حکیمانه امام خمینی (ره) به سر منزل مقصود رسید. زنان مسلمان ایرانی با لبیک به ندای امام امت، زیباترین و موثرترین نقش را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی آفریدند. آنان با حضور در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم ایجاد نقش نموده‌اند، به نحوی که اگر حضور سرشار از ایمان و اخلاص این قشر عظیم در جریان مبارزات قبل و بعد از انقلاب نبود، این انقلاب به ثمردهی نمی‌رسید.

کارکردهای مختلف زنان در انقلاب اسلامی را می‌توان به سه دسته هدایت و تربیت، مشارکت، حمایت و پشتیبانی تقسیم نمود که زنان با نقش‌آفرینی در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی با الگو قرار دادن دو بانوی عالم حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) گام‌های سرنوشت‌ساز را در پیروزی انقلاب اسلامی برداشتند. حضور زنان در عرصه‌های مختلف و در فراز و نشیب‌های انقلاب مرهون اندیشه‌های اصلاحی و مکتبی امام خمینی (ره) می‌باشد. تا جایی که می‌توان یکی از جنبه‌های جالب و حیرت‌انگیز انقلاب اسلامی ایران را حضور زنان در تمام عرصه‌های انقلاب دانست، امام، زن را از زوایای پنهان تاریخ و حضور مبهم و کم‌رنگ آن و از حوزه ناخودآگاه جامعه به صحنه خودآگاهی و فعالیت امروز رسانیدند.

ایشان ضمن تبیین اندیشه‌های اصیل اسلامی در مورد شأن و جایگاه زن در اسلام، زمینه حضور زن در جامعه را فراهم ساختند. تأکید بر سه رسالت مهم زن در حوزه فردی (خودسازی معنوی و رشد کمالات روحی)، حوزه اجتماعی (شرکت فعال در همه عرصه‌های مختلف با حفظ موازین اسلامی) و نقش‌آفرینی ویژه زن در حوزه خانواده (رسالت مادری و همسری) در اندیشه‌های بلند امام (ره) بسیار توجه است. (عطار زاده، مجتبی، ۱۳۸۶).

زنان لرستانی در عرصه‌های فرهنگی به رویارویی با توطئه‌ها و تبلیغات دشمنان پرداختند و پاسداری از فرهنگ ایران اسلامی را عهده‌دار گردیدند و جبهه فرهنگی را تقویت نمودند و باعث دلگرمی رزمندگان اسلام بودند. زنانی لر که بدون هیچ چشم‌داشتی وظیفه خود را انجام می‌دادند. دشمن با تبلیغات علیه جمهوری اسلامی هر چه به دهانشان می‌آمد می‌گفتند. و آن‌ها جامعه ما را نشانه رفته بودند. مقصود آن‌ها این بود که آن وجهه عظیم را در دنیا که به نام بلند اسلام محمدی رنگ و بویی دیگر نشان می‌داد جلوه دهند. حال، چه در میان مسلمانان و چه در میان غیرمسلمانان و یک عده ساده‌لوح هم در ایران البته باور می‌کردند. هرچه خبرهای دروغ و غلط که در این خبرگزاری‌ها و تبلیغات هست منشأ اینهاست، رژیم اجنبی زنان را نشانه گرفته بود. یک عده انسان از خود راضی و جالب اینجا بود که تبلیغات فرهنگی فراتر از تبلیغاتی بود که آن‌ها داشتند. صدای حاج صادق آهنگران دل بچه‌های بسیجی، دل مبارزان امام زمان (ع) را ربوده بود. آن‌ها پلاک دین را به گردن آویخته بودند، با همین پلاک احساس عزت و قدرت پیدا کرده و با کارهای فرهنگی دینی چه در مدارس و چه در اماکن مذهبی حضور خود را پررنگتر نشان دادند. زنان در مساجد کلاس‌های فرهنگی برگزار می‌کردند. قرآن، احکام، کلاس‌های امداد، اخلاق و دیگر کلاس‌ها که در کنار هم به تجربیات یکدیگر می‌افزودند. حضور مردم در صف‌های نماز جماعت فراموش نشدنی بود. جنگ بهترین محک و امتحان برای مدافعان از جان گذشته بود.

حضور مستقیم در جنگ

امام خمینی(ره) فرمودند: «ملت عزیز ما امروزه الحمدلله... تعالی، جوانانی رزمنده، از خواهران و برادران دارد که با تبلیغات نظامی در سرتاسر کشور قدرت تفکر را از دشمنان اسلامی ایران سلب و با اعتماد به قدرت الهی و فداکاری در راه اسلام بر همه مشکلات و همه قدرتهای شیطانی غلبه خواهد کرد.

در بررسی جنگهای صدر اسلام در رابطه با حضور زنان در جهاد به این نتیجه می‌رسیم که رسول خدا(ص) بنا به دستور اسلام و با توجه به خلقت زنان بر حضور سازنده و سرنوشت‌ساز آنها در جامعه و میادین نبرد تأثیر فراوان داشته و اجازه حضور در صحنه‌های مختلف جنگ را صادر نموده‌اند، به همین جهت زنان مسلمانان در پایداری نهضت به خصوص در آغاز آن، نقش بسیار حساس و سازنده‌ای داشته‌اند. و باز بر می‌گردیم به زمان پیامبر(ص)، شیرزنانی که در جنگهای پیامبر در صحنه نظامی حضور داشته‌اند. در جنگ احد زمانی که مردان شکست خورده از میدان می‌گریزند نسیبه با شمشیر و کمان به دفاع از جان پیامبر خدا می‌پردازد و بیشتر از مردان سپاهیان شرک را می‌کشد. حضرت محمد(ص) درباره او می‌فرمایند: در احد به هر طرف نگاه می‌کردم می‌دیدم نسیبه مشغول نبرد است و از جان من دفاع می‌کند. (بهشتی، احمد، ۱۳۵۱ص ۱۴۳)

با شروع جنگ، خطوط مقدم و حتی صحنه جنگ شاهد حضور زنان لرستانی بوده است. در لحظه‌های آتش و خون، در شکستن زخم‌ها و بارش سرب مذاب، زنانی بی‌نشان از هراس و تردید، مرهم بر زخم می‌نهادند. در آغاز جنگ، در جبهه‌های جنوب بودند عزیزانی که در خط مقدم حضور یافتند و مشوق رزمندگان بودند. جانباز زرین‌تاج میردریکوند در سال ۶۵ در میدان شقایق خرم آباد در اثر راکت ترکش خورده بود. او می‌گوید: «اهل روستای سفله اولیا هستم. پشت هتل شقایق راکت زدند و دای‌ام که در منابع طبیعی بود شهید شدند. شیرمحمد دریکوند و چندین نفر دیگر زن نیز شهید شدند. آن روز اول احساس نمی‌کردم که ترکش خورده‌ام یک خانم را کول کردم و تا بیمارستان رساندم و آن وقت بود که دیدم داخل کفشم پر خون است و از ناحیه پا ترکش خورده‌ام. کار ما در آن زمان فقط جمع کردن دست و پاهای توی خیابان بود و کسانی که شهید شده بودند. جانباز زن در خرم‌آباد زیاد داشتیم مثل خانم قوام دولتشاهی جانباز ۷۰ درصد، خانم چترعنبری ۷۰ درصد، خانم رفیعی ۵۵ درصد، خانم گوشه‌ای ۵۵ درصد، پریسا محمدی، پریسا گوشه‌ای و «درباره نسیبه، این شیرزن، واقدی، مورخ معروف می‌نویسد: «در جنگ احد او پیکاری سخت کرد و در آن پیکار دوازده زخم از نیزه و شمشیر برداشت و پسرش نیز به شهادت رسید البته این آخرین نبرد نسیبه نبود زیرا او در روز پیکار با مسیلمه کذاب که در یمنه رخ داد بار دیگر از خود چنان شجاعت و شهامتی بروز داد که حتی مردان رزمنده و دلاور را نیز به شگفتی واداشت.» (مافی، فرزانه، ۱۳۷۶ص ۶).

نسیبه در جنگ حدیقه‌الموت در تعقیب یکی از دشمنان ضربه‌ای به دستش خورد و در اثر این ضربه دستش قطع گردید. ام‌سلیم نیز در جنگ احد شرکت داشت و او را خنجر زن پیشامدها و جنگ‌ها در جنگ می‌شناسند. وی در جنگ حنین شرکت کرد. خنجری در دست داشت و مواظب پیامبر(ص) بود تا گزندى به او نرسد. ابوطلحه، همسرش، ماجرا را به پیامبر خدا(ص) گفت، حضرت فرمودند: «آری می‌دانم، بگذار بماند. ام‌سلیم خنجر به دست گرفته که اگر دشمن به ما نزدیک شد شکم دشمن را پاره پاره کند.» (محلّاتی، شیخ ذبیح اله، و همکاران ۱۳۶۹، ص ۴۰۶).

ام‌عطیه انصاری علاقه شدیدی به شرکت در جنگ‌ها داشته و حداقل در هفت غزوه بزرگ شرکت داشته و مورد لطف حضرت محمد(ع) بوده‌است. ام‌حارث انصاری در شجاعت و اسب سواری و دلاوری معروف و با مردان و پهلوانان بنام برابری می‌کرد. ام‌سلمه بنت سلمان به همراه شوهرش در حالیکه باردار بود شمشیر بر کمر جهت دفاع از خود و زدن فراریان از جبهه حضور داشت. (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار زن و دفاع مقدس، ۱۳۷۴ص ۱۷۳) من در تحقیقاتی که داشتم به این مطلب رسیدم که زنان ایرانی در جبهه‌ها هم حضور مستقیم داشته‌اند به عنوان نمونه، زنی با نام آمنه وهاب‌زاده در دهمین روز جنگ ایران و عراق، به همراه سیصد نفر از زنان دیگر، به جبهه اعزام شده و در خاطراتش گفته است که وقتی به ماهشهر رسیدیم، بعضی همان‌جا ماندند و من همراه بقیه راهی خط مقدم شدم. آن زمان خط مقدم در خرمشهر و آبادان بود. در این مدت همراه دکتر چمران بودیم، چون ایشان و همسر گرامیشان قبلاً به ما آموزش چریکی داده بودند، حتی قرار شده بود،

همراهشان به لبنان هم برویم، خرمشهر که سقوط کرد، ما تا پشت کشتارگاه عقب کشیدیم و در بیمارستان ولی عصر (عج) مستقر شدیم چون خرمشهر خالی از سکنه شده بود، از ما نیز خواستند تا شهر را ترک کنیم. ما جزء آخرین نفراتی بودیم که از خرمشهر خارج می شدیم. این زن حتی بعدها در عملیات ثامن الائمه (ع) و بیت المقدس شرکت کرده و در عملیاتی والفجر یک شیمیایی شده بود. این زن هفت بار مجروح شده و در هفتمین مجروحیتش پای چپش ترکش خورد، و تا به حال سه بار عمل کرده است و احتمالاً آخر هم قطع خواهد شد. (خرمشهر، جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۰ ص ۳۹۶).

تاریخ ایران اسلامی زنان بزرگی سراغ دارد که در دوران دفاع مقدس هم طراز و دوش به دوش مردان با دشمن می جنگیدند. و عامل انگیزشی‌ای که می توانست زن را از فطرت زنانه خود یعنی کانون گرم خانواده به سوی جبهه جنگ بکشانند چیزی جز ایمان و اعتقاد قلبی به ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمان‌های بلند امام (ره) نبوده است. و زنان دیگری مثل زهرا محمودی که به مادر جبهه‌ها معروف بوده، به تنهایی عازم خط شده است. چند نفر از رزمندگان همراهش بودند. این رزمنده، وقتی در خط، وسایل را بین رزمندگان تقسیم کرد، یکی از رزمنده‌ها او را کنار توپ ۱۰۶ برده و گفته: «مادر ما این توپ را روی سنگر فرماندهی عراقی تنظیم کرده ایم. دوست داریم با دست شما شلیک شود. ان شاء الله به هدف بخورد و گروهی از فرماندهان عراقی به درک واصل شوند. این زن با کمک رزمندگان گلوله توپ را شلیک می کند و اتفاقاً درست به هدف می زند. (زارع، محبوبه، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸)

تأثیرگذاری زنان یا به عبارتی حضور زنان در دوران قبل از انقلاب به صورت حضور فعال و مستقیم در عرصه اجتماع و حضور غیرمستقیم در پوشش، نقش هدایت و تربیت، حمایت و پشتیبانی جلوه گر است و همین قاعده بر حضور زنان در نهضت بیداری اسلامی در طول تاریخ نمایان است.

حضور مستقیم زنان در عرصه فعالیت‌های مبارزاتی قبل از انقلاب

سابقه حضور زنان مسلمان به سال‌های خفقان‌آور دوران قاجار در واقع تنباکو بر می گردد. این حضور فعال در سال‌های بعد و نزدیکی به شکل‌گیری انقلاب رو به افزایش است. به روایت منابع تاریخی، زنان در دوران قاجار بارها در تظاهرات دسته جمعی در سال‌های ۱۲۷۷ ه.ق، ۱۳۰۲ ه.ق (معتمد، ۱۳۷۹، ص ۲۰۳) و مهم‌تر از آن ۱۳۰۹ ه.ق قیام تنباکو شرکت داشتند. اما دخالت و شرکت زنان در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب شدت بیشتری داشت، از جمله شرکتشان در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، آن هم با حفظ میزان‌ها و میراث‌های اسلامی و با شعار اسلامی و از این‌ها بالاتر، جلوی گلوله‌ها رفتن است. که در ۱۷ شهریور در میدان شهدا، زنان بیشتر از مردها شهید شدند. و این زن‌ها بودند که در میدان شهدا نشستند و مورد رگبار ظالمانه دشمن قرار گرفتند. هرچه حضور زنان در مبارزات علیه رژیم پررنگ‌تر می گردید، انقلاب اسلامی به پیروزی نزدیک‌تر می شد. (مرتضوی، ۱۳۷۰، ۱۱۷) حضور مستقیم زنان در تمامی صحنه‌های اجتماعی و سیاسی دوران قبل از انقلاب نمودهای مختلفی داشت که می توان به مواردی از آن‌ها اشاره کرد از جمله: شرکت در جلسات سیاسی و استماع سخنرانی‌های افشاگرانه بر علیه رژیم پهلوی، شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات اعتراض آمیز خیلانی، پخش اخبار توزیع اطلاعیه‌ها، امدادگری و رفع نیازها مثل کمک به مجروحان، پناه دادن به فعالان سیاسی و....

پرستاری و مداوای مجروحین رزمنده

در جنگ خندق و محاصره شهر مدینه، بانوی شجاع و مؤمنه‌ای به نام رفیده مسئولیت بهداری رزمی و مراقبت و مداوای مجروحین جنگی را برعهده داشت. گویا تر اینکه حضرت فاطمه (ع) به همراه دیگر زنان مدینه هم چون صفیه خواهر رشیده حضرت حمزه سیدالشهداء می باشد که واقدی مورخ معروف در المغاری چنین می نویسد: محمد بن مسلمه در جنگ احد با ۴ نفر از زنان مدینه به قصد میدان نبرد و یاری حضرت محمد (ص) خارج شد که حضرت فاطمه (س) نیز با آنان بود در حالی که با پای پیاده آب و غذا بر پشت خود حمل می نمود و فاصله ۶ کیلومتری مدینه تا احد را طی می کردند تا اینکه به صحنه نبرد رسیده و به آب دادن به تشنگان، مداوای مجروحین، تشجیع مسلمانان به بازگشت و جنگ، شمات و مذمت فراریان پرداختند

و حضرت زهرا مرضیه(س) خون پدر بزرگوارش را با آب سپری که حضرت علی(ع) می‌ریخت می‌شست و خون بند نمی‌آمد تا اینکه تکه حصیری را سوزاند و خاکسترش را بر زخم‌های پیامبر(ص) گذاشت. (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار زن و دفاع مقدس، ص ۱۷۲ به نقل از کتاب آشنایان ناآشنا) از دیگر اموری که زنان لرستانی در صحنه جهاد انجام میدادند پرستاری از مجروحین، پانسمان و انجام کمک‌های اولیه بود که با حرکت در کنار رزمندگان در مداوای مجروحین و یاری مجاهدان و حفظ وسایل آن‌ها کار می‌کردند و سعی می‌کردند جراحات رزمندگان را تا جایی که امکان داشت مداوا کنند و در مراقبت و انتقال مجروحین و ادامه درمان و گاه حمل وسایل و لوازم به شهر پا به پای انقلاب پیش می‌رفتند. خانم صفرا دانه‌ای یکی از زنان لرستانی که در تمام صحنه‌های دفاع مقدس پا به پای مردان برای پیروزی آن دفاع کرد می‌گوید: دو ماه در جبهه در اتاق عمل بیمارستان طالقانی خرمشهر مشغول کمک به رزمندگان بودم و اگر حقوقی می‌دادند مبلغی از آن را به رزمندگان کمک می‌کردم. «این پرستار لر بانوی فداکار انقلابی در تمام صحنه‌های انقلاب حضور داشته‌اند چه در پخش اعلامیه‌های امام(ره) و چه در راهپیمایی‌ها و دیگر کمک‌ها در کنار زنان ایثارگر فداکاری می‌کردند به طوری که کسی حتی تار مویی از او ندید. وقتی عزیزان رزمنده به عقب برمیگشتند این بانوی فداکار برای رزمندگان آنچه آموخته بود در طبق اخلاص می‌گذاشت. وی که یکی از مبارزین انقلابی بوده است میگوید در کنار دیگر اقشار به زنان کمک‌های اولیه آموزش می‌دادند که اگر یک انقلابی به مشکلی برخورد کمک حالش شوند. وی می‌گوید وقتی خرمشهر خونین شهر شد رزمندگانی را که مجروح بودند در مینی‌بوسی که صندلی‌هایش را درآورده بودند به ماهشهر آوردیم و در آنجا که ماهشهر مثل خرمشهر شلوغ بود بعد از اعزام خانواده‌های رزمندگان و پرستاران اعزامی سرکشی می‌کردیم و نسبت به تأمین مایحتاج زندگی آن‌ها تلاش خود را به کار می‌بست. (حسنوندی، فروزان، ۱۳۹۷، ص ۳۰). زنان لرستانی با نمایش پایداری و شجاعت مثال زدنی در آن جنگ نابرابر با وجود همه سختی‌ها و مصیبت‌ها هدف خود را فراموش نکردند و راه امام و انقلاب را ادامه دادند. ترس برای آن‌ها معنا و مفهومی نداشت و مشکلات ناشی از جنگ مانع از انجام رسالت آن‌ها نمی‌شد. ایستادگی و مقاومت زنان لرستانی در کنار مجروحین جنگی، در همه ابعاد مختلف جنگ تحمیلی چشمگیر بود. این ایثارگری‌ها و از خود گذشتگی‌ها به اندازه‌ای بود که حتی بیگانگان را وادار به اعتراف نمود، از جمله روزنامه گاردین نوشت: «جنگ در بسیاری از مردم نوعی از خود گذشتگی ایجاد کرده‌است. "صغری دانه‌ای طلبه جوان که می‌گوید: «دستان من شهدای زیادی را از زمین برداشتند، تلخ‌ترین لحظه زندگی من لحظه‌ای بود که این عزیزان را روی تخت بیمارستان می‌دیدم و آخرین نفس‌ها را نثار وطن می‌کردند. و چه شکوهی داشت وقتی چشمانشان را بر عالم خالی می‌بستند و به سرای جاوید می‌شتافتند. در آن زمان بیمارستان‌ها نقاهتگاه و سایر مراکز درمانی پزشکی در دوران دفاع مقدس، شاهد فداکاری و ایثارگری زنان شاغل در حرفه پزشکی، داوطلبی بود که با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت امدادگری به مجروحان و مصدومان جنگی، خدمت خداپسندانه می‌نمودند. خانم دانه‌ای می‌گوید وقتی با خواهرانی که در منطقه جنگی لحظه‌های عمر خود را می‌گذراندند صحبت می‌کردم زمان ماموریت معنای زندگی و هدف آن را دریافتیم. آن‌ها می‌گویند درسی که از آن محیط و مجروحین گرفتیم جز درس اخلاق که در ما اثر کرده بود چیز دیگری نبود. این بانوی لرستانی که مدت دو ماه در جبهه و در کنار صداهای وحشتناک شب را به روز گذرانده بود، می‌گوید: «دیدن تن خونی رزمندگان، دیدن جای گلوله و خمپاره بر روی لباس‌ها مشخص بود. صحنه‌های رزم و نبرد عزیزان ایرانی دل هر دردمند را به درد می‌آورد. در این بحبوحه بود که از بیمارستان طالقانی خرمشهر راهی هلال احمر خرمشهر شدیم. ما یک گروه بودیم که برای بازرسی دارویی می‌رفتیم، یک اکیپ بودیم. لیدر ما گفت؛ سوله‌ای هست که قسمتی از آن دارو و قسمت دیگر آن مهمات است. وقتی ما به آن منطقه رسیدیم تازه دشمن آنجا را بمباران کرده بودند. پیاده شدیم و دیدیم که برادران پاسدار چقدر زحمت می‌کشند. آن‌ها مهمات را به سرعت از آنجا دور می‌کردند و من و چند تا از همکاران با دیدن آن‌ها داروها را رها کردیم و به کمک برادران پاسدار رفتیم. برادران پاسدار با یک لندکروز مهمات جابه‌جا را می‌کردند. جعبه‌هایی که دستم می‌دادند مستطیل شکل بود و درون آن‌ها نارنجک بود که با احتیاط بغل می‌کردم و به دست برادری که داخل لندکروز ایستاده بود می‌دادم. در بیمارستان طالقانی خرمشهر با یک اکیپ پزشکی برای وطن از جان خود گذشتیم و پس از آنکه شهر در اسارت غارت‌گران درآمد به ماهشهر برگشتیم و در آنجا پس از مدتی راهی قم شدم و سپس برای ادامه کار به بیمارستان صد تخته‌خوابی لرستان منتقل شدم. خانه‌ای داشتیم که در چهارراه فرهنگ بود و هنوز به آنجا نقل مکان نکرده بودیم که مادرم با همکاران وقتی که راهپیمایی می‌شد و گاز اشک‌آور بر روی تظاهرات‌کنندگان می‌لندختند ما در آن خلنه را برای هدایت

انقلابیون باز می‌گذاشتیم.» امروز این زن انقلابی در مساجد و حسینیه‌ها به عزیزان بسیجی درس احکام و نهج‌البلاغه می‌دهد. صبر و پایداری این قشر زحمتکش موجب آرامش روحیه در بین رزمندگان شده بود به حدی که برای خدمت زمان و مکان نمیشناختند. و از این دست بانوان لرستانی صبور و متعهد و شجاع در کشور کم نبودند. و زمانی که حملات هوایی دشمن شدت می‌گرفت، زنان لرستانی هم‌زمان با دیگر شهرها و استان‌ها به خاطر عشق به انقلاب و امام شهر را ترک نمی‌کردند. حتی وقتی دشمن در حال ریختن بمب بر سر مردم مظلوم و بی‌دفاع بود مردم هم‌چنان مشغول فعالیت امداد رسانی بودند. گاهی وسایل اولیه حتی گاز استریل هم نداشتند. در زمستان خانه و کاشانه خود را رها می‌کردند که زیر گلوله باران دشمن با شجاعت مقاومت می‌کردند. استان لرستان مهد پرورش چنین شیرزنانی است و افتخار می‌کند که چنین الگوهایی را ارائه داده است. آن‌ها انسان‌های شریفی بودند که در نامناسب‌ترین شرایط به انجام دشوارترین کارهای امدادگری می‌پرداختند و برای نجات مصدومین جنگ تلاش می‌کردند. با یک بررسی جزئی در می‌یابیم که نقش اصلی بر دوش این قشر ایثارگر بوده است. عشق و علاقه به کار پرستاری به اضافه ایمانی که نسبت به مسئله جنگ و مجروحین داشتند بی‌مانند بود. (حسنوندی، فروزان، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

تشییع و تدفین

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: شما برای خدا فرزندانان را به جبهه فرستادید، برای خدا در مقابل مصیبت فقدان آن‌ها صبر کردید. اگر نظام اسلامی اندکی از اسلام و از راه اسلام و از هدف‌های اسلام انحراف پیدا کند، طبیعتاً این پشتوانه عظیم، دیگر برای او باقی نخواهد ماند. مملکت ایران تا ابد مدیون شهدا و خانواده‌های شهداست. این را همه ملت ما باید بدانند هر چه ما عزت به دست بیاوریم، هر چه پیشرفت به دست بیاوریم، مرهون خون شهدای عزیز شماس، این جگر گوشه‌های شماس است. این‌ها بودند که به ما، به کشورشان، به ملتشان، به اسلام عزت دادند. این همه باید قدر بدانند، مسئولین همه باید قدر بدانند، خود شما خانواده‌ها هم باید قدر بدانید و می‌دانید. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع تعدادی از خانواده های شهدا در ۸۸/۳/۳).

اعزام‌ها از مسجد صاحب‌الزمان خرم‌آباد شکل می‌گرفت. یکی از تکمیل‌ترین (قدیمی‌ترین) مساجد خرم‌آباد. شهدا معمولاً از آن‌جا تشییع می‌شدند و مردم آن‌ها را تا قبرستان بهشت صالحین بدرقه می‌کردند. یک سری هواپیما در آسمان خرم‌آباد در بهشت صالحین ظاهر می‌شدند که رنگشان به رنگ زغال بود، خیلی هم به سطح زمین نزدیک بودند، آن قدر نزدیک که با یک اسلحه سبک آن‌ها را می‌شد نشانه گرفت.

شهادت دری است گشوده شده از سوی خداوند تبارک و تعالی به روی بندگان مخلص و مومن که همه وجودشان را در راه معبود و معشوق در طبق اخلاص نهاده‌اند و البته کم نبودند این‌گونه افراد که در جریان دفاع هشت ساله در پی رهایی و در جستجوی شهادت بودند. (خومحمدی خیرآبادی، سعید، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

یکی از صحنه‌های به یادماندنی و حماسی حضور زنان در کنار خانواده‌های شهدا بود. دختر شهید سیدجلال به نام معصومه علی موسوی می‌گوید: پدرم ۱۳ ساله بود که ازدواج کرد و ثمره ازدواجش چهار دختر و دو پسر بود. از کارهای انقلابی که پدر انجام می‌داد آگاه بودم، او اعلامیه‌های امام (ره) را پخش می‌کرد و در تمام راهپیمایی‌ها حافظ و فرمانبردار امام بود. تا اینکه جنگ شروع شد و عازم جبهه شد و در کربلای ۵ در شلمچه شهید شد. زمانی که مادر به سمت تابوتش رفت و در تابوت را باز کردند دیدم چشم‌های پدرم باز است، مادر آن‌ها را بست و گفت خودم بچه‌های را بزرگ می‌کنم. مادر در سن ۳۰ سالگی بیوه شد، تمام کسانی که می‌شناختم و نمی‌شناختم برای تسلیت آمده بودند. مادر با دست خالی ما شش بچه قد و نیم قد را در زمان جنگ بزرگ کرد. «با آمدن شهدای جنگ اسفند و بوی گلاب فضای شهر خرم‌آباد را عطرآگین می‌کرد. زنان بر روی شانه‌های خود گل می‌گذاشتند. گاه بر سر می‌زدند و خاک زیر پایشان را به سر و صورت خود پخش می‌کردند. و مویه‌سرای می‌کردند. و دست‌ها را چرخ می‌دادند و صورت می‌خراشیدند. و گاه می‌شد که تا سه چهار روز لب به غذا نمی‌زدند و دیگران آن قدر این

خانواده شهید را کمک می‌کردند که شرمنده می‌شدند. با بردن آن‌ها به حمام و درآوردن سیاه از تن خانواده شهید و خواندن زیارت عاشورا و دعای توسل زن آن شهید را همراهی می‌کردند. و با مبلغی که کنار می‌گذاشتند آن خانواده داغ دیده را کمک می‌کردند. (مصاحبه با دختر شهید سید جلال علی موسوی) مادران لرستانی رشادت حضرت زینب(س) را که سرپرست خاندان عصمت و طهارت بود فراموش نکردند. ایشان در تمام صحنه‌های دلخراش عاشورا چون کوهی استوار مقاومت کردند تا رسالتی را که بر عهده گرفته بودند با شایستگی به سرانجام برسانند، بر همین اساس است که گاه در دشوارترین لحظات زندگی جام صبر نوشید. زینب کبری(س) در واقعه عاشورا، به امام خویش دلداری داد و شریک غم او در شهادت عزیزانش بود. به هنگام شهادت حضرت علی اکبر(ع)، زینب(س) پیش از امام حسین(ع) خود را به جنازه مبارک علی اکبر(ع) می‌رساند تا از شدت اندوه امام حسین(ع) بکاهد.

ومرحمی بر زخم دل امامش باشد. همچنین حضرت زینب(س) دو فرزندش را در جریان عاشورا فدای راه امام و مولای خویش می‌کند تا نشان دهد در مسیر امامت و ولایت همه زندگی‌اش را در طبق اخلاص نهاده‌است. رشادت و استواری زینب علیها سلام در انجام رسالتش در کربلا، آنگاه بود که از کنار اجساد کشته شدگانش در عاشورا گذر می‌کرد، منظره‌ای که راوی خبر گفته هرگز چنین منظره‌ای ندیده بودم و فراموش نمی‌کنم. (کتاب علقمه بنی هاشم زینب کبری: ۱۳۹۱، ص ۳۴۲).

زنان لرستانی نیز با الگو گرفتن از ائمه اطهار(ع) تمام کمبودها را تحمل کردند و دست از مبارزه نکشیدند و کوشیدند با دست خودشان لباس رزم بر قامت جگر گوشه خود پوشانند و روانه جبهه نبرد کنند. آن‌چه برای مادران و بانوان اهمیت داشت پیروزی اسلام بود. فرزند او باعث افتخار شهر و دیار و عزت و سربلندی خانواده خود بود. زنان در نبود عزیزان خود مویه‌های زیبایی را زمزمه می‌کردند که به دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنیم. چه چیز بالاتر از آن‌که جگر گوشه‌شان را به انقلاب هدیه کردند. آن‌ها به خوبی در جایگاه‌های مختلف و فعالیت خود را در تاریخ ثبت کردند که آثار آن تا قیام قیامت باقی خواهد ماند.

نتیجه

امام خمینی(ره) فرمودند: بسیج شجره‌ی طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. (یزدانی، حشمت‌اله، ۱۳۹۱، ۱۸) حرکت خود جوش داوطلبانه زنان در دفاع مقدس پشتوانه‌ای قوی برای نیروهای نظامی ما بوده و با هرگونه خطر احتمالی از سوی دشمنان اسلام در آماده باش کامل به سر می‌بردند که امروز هم می‌بینیم این سربازان امام زمان(عج) و یاران رهبر معظم انقلاب در قالب بسیج در مساجد در حال فعالیت هستند. آن زمان در جنگ بودند و امروز نیز در جنگ هستند. آن روزها توپ بود و تانک و گلوله و امروز جنگ عقیده است و اعتقاد و دین. آن زمان دشمن رو در رو بود و امروز دشمن مخفی و سلاحش فضای مجازی - ماهواره و اینترنت. نتیجه این را می‌گوید که دشمن ما قویتر شده و نباید فراموش کنیم که مملکت چند سال پیش هم تغییر کرده‌است که اگر کوتاهی کنیم اسلام و قرآن برای همیشه از بین می‌رود. زنان و دختران امروز بازوی توانای اسلام هستند که باید در دفاع و حراست آن بکوشند و پاسدار نظام اسلامی باشند. دفاع ملی مثل گذشته باید تداوم داشته باشد، ارزش‌ها و مقدسات جامعه به شایستگی حفظ و تحویل امام زمان(عج) داده شود و برای رسیدن به چنین هدفی نیاز به بسیج خواهران و آموزش‌های ضروری و... داریم. این کوردلان میدانند که ایران عظیم‌تر و به فضل الهی قدرتمندتر از قبل شده.

حماسه‌های جاویدان بسیاری در طول تاریخ بشریت مرهون فداکاری و حضور موثر آنان بوده‌است. حماسه‌هایی چون کربلا، انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و ... جامعه گسترده زنان بیش از زنان نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند. شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی‌ها و ظرفیت دنیای شگفت‌انگیز این بخش عظیم و جایگاه فلسفی، اجتماعی، طبیعی، اقتصادی و فرهنگی آنان شتافت نیمی از جامعه بشر است.

منابع:

۱. بهشتی، احمد (۱۳۵۱)، زنان قهرمان، جلد ۱، نشر تهران آیین جعفری.
۲. بدر (واژه‌نامه) رویدادها و تحلیل، اقتصاد دو جنگ تحمیلی، (۱۳۶۴) دفتر سیاسی نمایندگی امام از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نشریه داخلی بدر شماره ۶۰.
۳. بیانات مقام معظم انقلاب اسلامی در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۹۰/۱۰/۱۴.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در جمع تعدادی از خانواده‌های شهدا در ۸۸/۰۳/۰۳.
۵. حسوندی، فروزان (۱۳۹۱)، تیم، تهران، انتشارات آیین احمد.
۶. حسوندی، فروزان (۱۳۹۷)، پرستار انقلابی، تهران، نشر صریح.
۷. حسوندی، فروزان (۱۳۹۳)، مرواریدهای پنهان، ناشر آیین احمد.
۸. حضرت آیت‌اله خامنه‌ای مدظله العالی، حدیث ولایت، جلد ۳، صفحه ۵۴. خرمشهر، جنگ طولانی، ۱۳۶۰، مرکز تحقیقات جنگ، ص ۳۹۶.
۹. زارع، محبوبه (۱۳۹۴)، مثلث‌های مستأصل، چاپ اول، ناشر موزه دفاع مقدس تهران.
۱۰. سمایی، عاطفه (۱۳۸۹)، ضرورت حضور سیاسی اجتماعی زنان و تداوم گفتمان انقلاب.
۱۱. عقیده بنی هاشم، زینب کبری (س) (۱۳۹۱)، سپاه علی‌نابی طالب، بسیج جامعه زنان استان قم، انتشارات وحدت بخش.
۱۲. عطار زاده، مجتبی، (۱۳۸۶) فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۵.
۱۳. قوی، نیره (۱۳۹۴)، درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در قلمرو زنان، ناشر دفتر نشر معارف.
۱۴. لطف‌الله آزادگان، علیرضا (۱۳۹۱)، هویزه آخرین گام‌های اشغالگری، انتشارات سپاه پاسداران.
۱۵. مصاحبه خانم صغری دانه‌ای پرستار دوران دفاع مقدس و خانم اشرف‌السادات نورالدینی، ۱۳۹۶ و مصاحبه معصومه علی (موسوی)، دختر شهید سید جلال علی. موسوی، علویه طاهره، مهتاب.
۱۶. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار زن و دفاع مقدس، ص ۱۷۳، چاپ ۱۳۷۴.
۱۷. محلاتی، شیخ ذبیح‌اله (۱۳۶۹)، ریاحین الشریعه، جلد ۳، ص ۴۰۶، نشر تهران، دارالکتب اسلامی. سامانی، محمود (۱۳۹۰)، زنان در تاریخ اسلام، نشر مشعر.
۱۸. مافی، فرزانه (۱۳۷۶)، آشنایان ناآشنا، ناشر دبیر کنگره دائمی بررسی و نقش زنان در دفاع مقدس.
۱۹. نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۹)، روانشناسی زن، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
۲۰. یزدانی، حشمت اله، پوینده، محمدرضا (۱۳۹۱)، تاریخچه بسیج جامعه زنان، چاپ اول.

منابع

1. Ahad Beheshti, A. (1972). Heroic Women. Vol. 1. Aein-e Jafari Publication.
2. Badar (Editorial). (1985). *Ruy-dadha va tahlil-e eghtesad-e do jang-e tahmili* [Events and analysis of the economy of the two imposed wars]. Political Office of the Imam's Representative to the IRGC, Internal Bulletin No. 60.
3. Department of the Supreme Leader. (2012, January 4). *Bayanat-e Magham-e Moazzam-e Rahbari dar sevomin neshaste andishe-haye rahbordi ba mozoe zan va khanevade* [Statements of the Supreme Leader at the third strategic thought summit on women and family].
4. Department of the Supreme Leader. (2009, May 24). *Bayanat-e Magham-e Moazzam-e Rahbari dar jam-e tedadi az khanevadeh-haye shohada* [Statements of the Supreme Leader among a group of martyr families].
5. Hassavandi, F. (2012). *Tiam*. Aein-e Ahmad Publication.
6. Hassavandi, F. (2018). *Parastar-e Enghelabi* [The Revolutionary Nurse]. Sarir Publication.
7. Hassavandi, F. (2014). *Morvarid-haye Penhan* [Hidden Pearls]. Aein-e Ahmad Publication.
8. Khamenei, S. A. (n.d.). *Hadith-e Velayat* [The Narrative of Guardianship] (Vol. 3, p. 54). Markaz-e Tahghighat-e Jang [War Research Center]. (1981). *Khorramshahr, Jang-e Toolani* [Khorramshahr, The Long War] (p. 396).
9. Zare, M. (2015). *Mosallas-haye Mosta'sal* [Desperate Triangles] (1st ed.). Holy Defense Museum Publication.

10. Samai, A. (2010). *Zaroorat-e hozoor-e siasi ejtemae zanan va tadoome goftemane enghelab* [The necessity of women's socio-political presence and the continuity of the revolutionary discourse]. Sepah-e Ali ibn Abi Talib. (2012).
11. *Aqile-ye Bani Hashem, Zeinab-e Kobra (SA)* [The Wise Lady of Bani Hashim, Zeinab Kobra]. Vahdat-e Bakhsh Publication.
12. Attarzadeh, M. (2007). *Faslname-ye Motaleat-e Rahbordi-e Zanan* [Quarterly Journal of Women's Strategic Studies], (No. 35).
13. Ghavi, N. (2015). *Daramadi bar karamadi-e nezam-e jomhoori-e eslami-e Iran dar ghalamro-ye zanan* [An introduction to the efficiency of the Islamic Republic of Iran's system in the sphere of women]. Daftar-e Nashr-e Maaref.
14. Lotfollah Azadegan, A. (2012). *Hoveyze, Akharin gam-haye eshgalgari* [Hoveyze, The Last Steps of Occupation]. IRGC Publication.
15. Ali (Mousavi), M., & Danayi, S. (Interviewers). (2017). *Interview with nurses of the Holy Defense era and relatives of martyrs*.
16. Congress for the Role of Women in Holy Defense. (1995). *Majmooe maghalat va sokhanrani-haye avalin seminar-e zan va defa-e moghadas* [Collection of articles and speeches of the first seminar on women and Holy Defense] (p. 173).
17. Mahallati, Z. (1990). *Rayahin al-Sharia* (Vol. 3, p. 406). Dar al-Kotob al-Islamiyya. Samani, M. (2011). *Zanan dar tarikh-e Eslam* [Women in Islamic History]. Mash'ar Publication.
18. Mafi, F. (1997). *Ashenayan-e Nashenas* [Unfamiliar Acquaintances]. Secretariat of the Permanent Congress on the Role of Women in Holy Defense.
19. Navabinejad, S. (2000). *Ravanshenasi-e Zan* [Psychology of Women]. Jame-e Iranian Publication.
20. Yazdani, H., & Pouyandeh, M. R. (2012). *Tarikhche-ye Basij-e Jame-e Zanan* [History of the Basij of Women's Society] (1st ed.).